



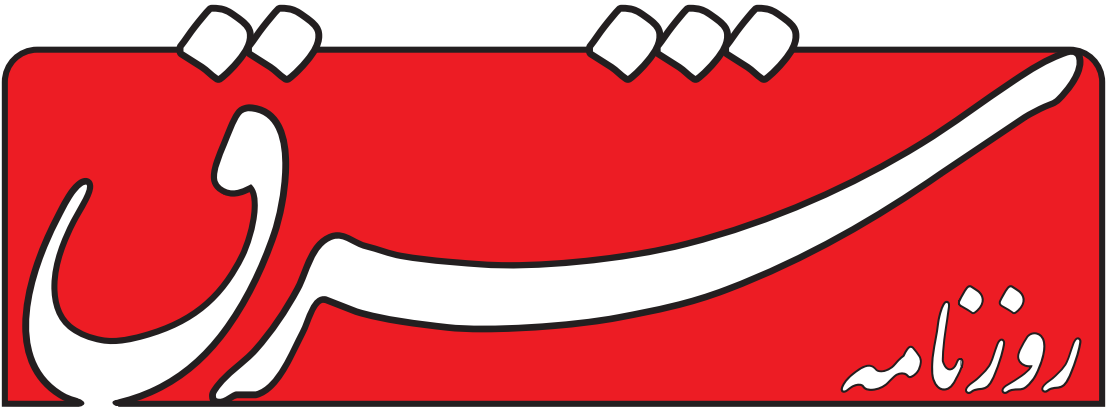
رئیس‌جمهور در دیدار سفیر جدید فرانسه:

فرصت اروپا برای جبران بسیار کوتاه است

گروه سیاست: روز گذشته سفرای جدید فرانسه، چین، لهستان و تاجیکستان با تقدیم استوارنامه خود به رئیس‌جمهور ایران، فعالیت خود در تهران را آغاز کردند. به گزارش ایسنا، رئیس‌جمهوری هنگام دریافت استوارنامه فیلیپ تی‌پیو، سفیر جدید فرانسه...

صفحه ۲

سه‌شنبه ۲۸ خرداد ۱۳۹۸ • ۱۴ شوال ۱۴۴۰ • ۱۸ ژوئن ۲۰۱۹



وزیر نیرو در گفت‌وگو با «شرق» از توافقات جدید ایران و روسیه خبر داد

تحفه ۲/۵ میلیارد یوروی روس‌ها

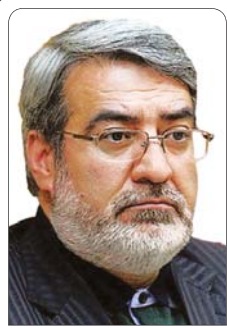
صفحه ۴



گفت‌وگوی احمد غلامی با علیرضا علوی تبار درباره بهنگامی و ناپهنگامی تصمیمات سیاسی

اکنون چه باید کرد؟

ما در یک وضعیت نامتعارف به سر می‌بریم و در این وضعیت، سیاست‌ورزی متعارف لزوما جواب نمی‌دهد



انتقاد وزیر کشور از پرداخت نشدن تعهدات بانک‌ها

سیل بدقولی

گروه جامعه: بعد از وقوع هر حادثه غیرمترقبه‌ای در کشور، سیل کمک‌ها و وعده‌ها در روزهای اول حادثه به سمت مناطق حادثه‌دیده گسیل می‌شود؛ شهر و روستاهای سیل‌زده ایران که در فروردین و اردیبهشت امسال گرفتار سیل شدند...

صفحه ۱۳

سال شانزدهم • شماره ۳۴۵۳ • ۱۶ صفحه • ۴۰۰۰ تومان

سرمقاله

قتل شیرمحمدعلی و آیین‌نامه تفکیک زندانیان

نعمت احمدی • حقوق‌دان



قتل مرحوم علیرضا شیرمحمدعلی در زندان مرکزی تهران و حساسیت‌هایی که به وجود آورد، لزوم نگاهی به قوانین مربوط به نگهداری متهمان و محکومان در قوانین مربوط به سازمان زندان‌ها را می‌طلبد تا مسئولان زندان با تکیه بر شرح وظایف خود در حفظ و حراست از تن متهمان و محکومان کوشش بیشتری داشته باشند. آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در اجرای قانون تبدیل شورای سرپرستی زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در ۲۴۷ ماده و ۱۰۸ تبصره در تاریخ ۱۳۸۲/۹/۲۰ به تصویب رئیس وقت قوه قضائیه، مرحوم آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی، رسید. در ادامه تغییرات در سازمان زندان‌ها، اقدامات تقنینی دیگری نیز صورت گرفت؛ مثلاً در تاریخ ۱۳۸۵/۸/۳۰ آیین‌نامه اجرایی نحوه اداره بازداشتگاه‌های امنیتی تصویب شد. حسب ماده یک این آیین‌نامه، بازداشتگاه امنیتی این‌گونه تعریف شد: «بازداشتگاه امنیتی محل نگهداری متهمانی است که به لحاظ حساسیت‌های امنیتی و نظامی و با قرار کتبی مقام‌های صلاحیت‌دار قضائی تا اتخاذ تصمیم نهایی به آنجا معرفی می‌شوند و تحت نظر سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور اداره خواهند شد». در تبصره همین ماده آمده است: «بازداشتگاه‌های امنیتی صرفاً مربوط به متهمین جرائم امنیتی بوده و واحدهای قضائی از اعزام سایر متهمین و محکومین به این بازداشتگاه‌ها خودداری خواهند نمود». در تعریف «مراکز امنیتی» آمده است: «مراکز امنیتی سازمان‌ها و نهادهایی هستند که حسب قانون وظایف خاصی در جهت تأمین امنیت کشور برعهده دارند و شامل وزارت اطلاعات، اطلاعات سپاه پاسداران، اطلاعات نیروی انتظامی می‌باشند». چنانچه ملاحظه می‌شود مقررات این آیین‌نامه برمی‌گردد به «بازداشتگاه» که با زندان متفاوت است و محل نگهداری متهمانی است که هنوز حکم قطعی برای آنان صادر نشده و حسب آیین‌نامه اجرایی بازداشتگاه موقت، به‌ویژه ماده دو آن، مخصوص نگهداری متهمانی است که صدور قرار تأمین، به بازداشت آنها منتهی شده است. هرچند در تبصره یک همین ماده حداکثر مدت نگهداری متهمان تحت قرار در بازداشتگاه را ۳۰ روز تعیین شده است و به صراحت اعلام می‌شود: «متهمانی که در این مدت آزاد نگردند به بازداشتگاه عمومی منتقل می‌شوند مگر اینکه شوری تشخیص که مرکب از قاضی ناظر زندان، رئیس بازداشتگاه، مسئول بهداشت و درمان و سمدکار اجتماعی می‌باشند و وظیفه نظارت بر حسن اجرای آیین‌نامه و نیز رسیدگی به تخلفات متهمان و اتخاذ تصمیم انضباطی در مورد آنان و اعطای مرخصی بعد از هماهنگی با قاضی صادرکننده قرار یا دادستان محل را برعهده دارند تشخیص دهند که باید متهم بیش از ۳۰ روز در بازداشتگاه نگهداری شود».

پس از تشکیل سازمان زندان‌ها، آیین‌نامه‌های مختلفی در راستای اجرای مواد قانونی مربوط به سازمان زندان‌ها از تصویب ریاست وقت قوه قضائیه گذشت که یکی از این آیین‌نامه‌ها «آیین‌نامه نحوه تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان» مصوب ۱۳۸۵/۹/۹ است. در مقدمه این آیین‌نامه آمده است: «به‌منظور اجرای هرچه مهم‌تر روش‌های درمانی، اصلاحی و تربیتی و نیل به اهداف عالیه سازمانی، حفظ حقوق و کرامت زندانیان و افزایش درجه امنیت زندان‌ها، آیین‌نامه نحوه تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان در سازمان زندان‌ها تصویب می‌گردد». برابر ماده یک این‌نامه، تفکیک و طبقه‌بندی عبارت است از جداسازی زندانیان از یکدیگر در زندان، بازداشتگاه و یا مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی کشور از حیث جنس، سن، نوع جرم، وضعیت قضائی (متهم و محکوم) و وضعیت سلامتی.

ادامه در صفحه ۲

عکس: رویوفه رستنی

مسائل پیش‌بینی می‌شود و آمادگی برای مقابله با آنها مورد توجه قرار می‌گیرد. اما کارشناسان کاملاً بر دانش و تخصص خود تکیه می‌کنند و نسبت به خواسته‌ها و تمایلات دیگران بی‌توجه‌اند. از نظر آنها آنچه از لحاظ کارشناسی درست است باید مبنای عمل قرار گیرد و همان‌طور که دکتر در درمان مریض بر دانش تکیه می‌کند و نه توصیه‌ها و درخواست‌های مریض یا اطرافیان، در اینجا نیز باید همین‌طور عمل شود. بلکه حاصل مشارکت ذی‌نفعان مختلف و مانند یک فعالیت علمی باشد. «الگوی چهارم، به برخورد با مسائل و اقدام برای حل آنها حالت «فعال» داشته باشد و انفعالی، اما حساسیت به ارزش‌ها و مطالبات دیگران در آن زیاد است. در این الگو تعیین خط‌مشی‌های عمومی فقط کار متخصصان و خبرگان نیست، بلکه حاصل مشارکت ذی‌نفعان مختلف است، قدرت پشتوانه خط‌مشی‌های عمومی در این الگو «مسئولیت مشترک» است، نه فقط «دانش و فن» و اعتبار برگرفته از آنها. الگوی اجتماعی هم به کوتاه‌مدت می‌نگرد و هم به بلندمدت و فعالیت تعیین خط‌مشی را چیزی میان هنر و علم تلقی می‌کند. حالا می‌توان پرسید که الگوی غالب تعیین خط‌مشی، در دولت‌های مختلف بعد از انقلاب چه بوده است؟ و مهم‌تر از آن اینکه چرا این الگو، به صورت الگوی غالب درآمد است؟

من فقط به برخی از کلیات در این زمینه اشاره می‌کنم. اولین عامل تعیین‌کننده میزان آزادی رسانه‌ها و میزان فعالیت آزاد گروه‌ها و انجمن‌های منتقد است. هر چقدر آزادی رسانه‌ها و فعالیت احزاب بیشتر بوده، دولت‌ها ما به سوی برخورد فعال‌تر با مسائل اجتماعی رفته‌اند. منتقدان خیلی زود با طرح مسائل شکل‌گرفته یا هشدار نسبت به مسائل در حال شکل‌گیری، دولت‌ها را به اقدام و آمادگی برای اقدام سوق داده‌اند. فعالیت منتقدان و برخورداری آنها از رسانه در دوره دوم ریاست‌جمهوری آقای هاشمی، در هر دو دوره آقای خاتمی و در هر دو دوره آقای روحانی، زیاد بود و از این رو دولت به سوی برخورد فعال هل داده می‌شده است. بدترین دوره از این نظر دوره دوم ریاست‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد بود که فضا به گونه‌ای بود که نوعی انفعال کامل را برای دولت وقت زمینه‌سازی می‌کرد. دومین عامل تعیین‌کننده، محوریت فن‌سالاران در دولت و برخورداری دولتمردان از پشتوانه نظریه‌های معتبر علمی بوده است.

به کام اول (تعیین یا شکل‌دهی) باشد، در این کام اول یک موضوع به عنوان مسئله (یا مشکل) عمومی در جامعه درک و حس می‌شود و نوعی فشار برای حل و برطرف‌کردن آن شکل می‌گیرد. آن‌گاه در دستور کار یک بخش خاص از دولت قرار می‌گیرد و آن بخش خاص برای حل آن مشکل مسئولیت پیدا می‌کند و اختیارات لازم را اخذ می‌کند. از این به بعد کار کارشناسی شروع می‌شود؛ مشکل توصیف و ریشه‌یابی می‌شود و آن‌گاه برای حل آن راه‌حل پیشنهاد می‌شود. راه‌حل پیشنهادی هم به صورت قانون درآمده و برای همه الزامی می‌شود. هم در این کام می‌توان از بهنگام یا نابهنگام بودن تصمیم‌گیری‌ها صحبت کرد و هم در مرحله اجرا، البته اگر هدف

از ارزشیابی، درس‌گرفتن برای آینده باشد نیز می‌توان از بهنگام یا دیربهنگام بودن تصمیم‌گیری در کام ارزشیابی صحبت کرد. در مرحله تعیین خط‌مشی (یا شکل‌دهی خط‌مشی) می‌توان از چند الگوی مختلف تصمیم‌گیری سخن گفت. ملاک ما برای دسته‌بندی این الگوها دو چیز است: یکی اینکه تصمیم‌گیرندگان در بخش دولتی تا چه حد به

حساسیت‌ها و ارزش‌های مورد قبول سایر بخش‌های دولت و جریان‌ها و اقشار مختلف ذی‌نفع و دارای نفوذ و قدرت در جامعه اهمیت می‌دهند و بهنگام تصمیم‌گیری کلان ملاحظه دیگران را می‌کنند. ملاک دوم این است که در مسئله‌یابی و اقدام برای حل مسئله دولت و سازمان‌ها بیشتر «انفعالی» عمل می‌کنند یا «فعال». از ترکیب این دو معیار چهار الگوی تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی پدید می‌آید. نخست «الگوی بحران» است. در این الگو توجه و حساسیت به ارزش‌ها و خواسته‌های دیگران کم است و اقدام هم «انفعالی» صورت می‌گیرد، یعنی از سر اجبار و پس از وقوع و اثرگذاری مسئله در جامعه. الگوی دوم «الگوی تدریجی-جزئی» است. در این الگو ارزش‌ها و حساسیت‌های دیگران درک شده و مورد توجه قرار می‌گیرد اما اقدام «انفعالی» است پس از اثرگذاری و از سر اجبار و فشار. الگوی سوم «الگوی عقلایی» است. در این الگو با توجه به نظریه‌ها و دیدگاه‌های کارشناسان و متخصصان

از بقیه رؤسای جمهور بود. احمدی‌نژاد نیز به نوعی این‌گونه بود، اما تصمیمات فردی او خسارت‌بار بود. در این‌میان دولت خاتمی را می‌توان دولتی تصمیم‌ساز دانست که البته تصمیماتش کمتر اجرایی می‌شد. اگر بخواهیم تحلیل تاریخی مختصری از تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در دولت‌های انقلاب ارائه کنیم دولت روحانی خاصه چهارساله دوم آن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اجازه دهید بحث خود را مثل همیشه با طرح برخی از مفاهیم و دسته‌بندی‌ها شروع کنم! ظاهراً این بیماری درمان‌ناپذیری است که همیشه طبقه‌بندی و دسته‌بندی می‌کنم! به طور قراردادی هرگاه بحث تصمیم‌گیری در سطح خرد (سطح سازمان و گروه) مطرح می‌شود، از آن به عنوان «تصمیم‌گیری یا تصمیم‌سازی» یاد می‌شود و هرگاه بحث در سطح کلان است و با جامعه و مشکلات عمومی سروکار داریم، از عنوان «خط‌مشی‌گذاری» (یا سیاست‌گذاری) استفاده می‌شود. بحث ما چون در مورد دولت و رفتارهایش است، می‌تواند ذیل بحث خط‌مشی‌گذاری مطرح شود.

اما در هر دو سطح ما با یک فرایند مواجهیم که آن را تصمیم‌گیری می‌نامند. به‌طور دقیق تصمیم‌گیری یعنی «فرایند یافتن گزینه‌های مختلف، ارزیابی و انتخاب یکی از میان آنها». با توجه به تعریف، دو نکته در مورد تصمیم‌گیری قابل توجه است: اول اینکه تصمیم‌گیری فقط هنگامی معنا دارد که شما قادر به «انتخاب» باشید و در مقابل چند گزینه قرار گرفته باشید. نکته دوم اینکه تصمیم‌گیری لزوماً برای تغییر وضع موجود نیست. تصمیم‌گیری می‌تواند با هدف حفظ وضع موجود صورت گیرد.

وقتی تصمیم‌گیری در سطح کلان مطرح می‌شود (سطح خط‌مشی‌گذاری)، می‌توان تصمیم‌گیری را در سه گام بررسی کرد: گام تعیین خط‌مشی، گام اجرای خط‌مشی و گام ارزشیابی خط‌مشی. این سه گام را روی هررفته «خط‌مشی‌گذاری» می‌نامند. برای آنکه بحث ما دقیق شود، باید روشن کنیم که بحث در کدام گام را در نظر داریم.

اگر منظور شما از «تصمیم‌سازی» بیشتر معطوف

تصمیمات بهنگام و نابهنگام در سیاست، تأثیری بسزا در سرنوشت مردم دارد. خاصه در شرایط خاص موجود که سیاست داخلی مسا منوط به تصمیمات سرنوشت‌ساز در سیاست خارجی است. در ادامه گفت‌وگوهای «شرق» با سیاست‌مداران و متفکران در زمینه «سیاست‌های بهنگام و نابهنگام» با علیرضا علوی‌تبار پرسش «اکنون چه باید کرد؟» را مطرح کرده‌ایم. علوی‌تبار معتقد است ما در یک وضعیت نامتعارف به سر می‌بریم که سیاست‌ورزی متعارف در آن جواب نمی‌دهد. او به «دولت در سایه» اشاره می‌کند که در ایران همواره یک عامل تعیین‌کننده مهم و اساسی به حساب می‌آید، البته از منظر او، دولت‌ها در مواجهه با پدیده دولت در سایه برخورد‌های متفاوتی داشته‌اند. گاه در مقابل این دولت سایه مقاومت کرده‌اند و گاه منفعل بوده‌اند. دوره اول هاشمی استقلال از این دولت سایه و دوره دوم او تسلیم در برخی از زمینه‌هاست. دولت خاتمی نیز نماد مقاومت در مقابل این دولت سایه بوده و در دو دوره احمدی‌نژاد دولت سایه به دولت رسمی تبدیل می‌شود. علوی‌تبار دولت اول روحانی را دولت اقتاع و مقاومت می‌خواند و دولت دوم را دولت انفعال و گاه تسلیم. او اشاره می‌کند که با انفعال، هیچ دستاورد سیاسی‌ای را نمی‌شود دنبال کرد. علوی‌تبار در پاسخ به «چه باید کرد؟»، جست‌وجوی شکل‌هایی از سیاست‌ورزی را پیشنهاد می‌دهد که لزوماً متعارف نیست؛ البته با حفظ خطوط و مرزهای اصلاح‌طلب‌ها.

دولت‌ها را تصمیمات‌شان می‌سازد. این تصمیمات درست و نادرست، زمانی سرنوشت مردم را رقم می‌زند که با موفقیت یا عدم موفقیت همراه باشد. گاه ملتی به‌واسطه این تصمیمات به راه خسران و عقب‌ماندگی می‌رود و گاه کام‌های رو به جلو برمی‌دارد. تصمیمات درست که مبتنی بر برنامه‌ریزی، مدیریت و تدبیر و پیش‌بینی است، دولت‌ها را قادر به تصمیم‌سازی می‌کند. اما دولت‌های بعد از انقلاب ازجمله دولت هاشمی، خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی کمتر تصمیم‌ساز بوده‌اند و بیشتر ناچار به تصمیم‌گیری شده‌اند. این تصمیم‌گیری‌ها بیش از آن که تصمیم‌سازی باشد به اقتدار فردی بازمی‌گردد. برای مثال شخصیتی مانند هاشمی رفسنجانی اگر تصمیم‌ساز نبود-که در مقاطعی بود- در اتخاذ تصمیمات فردی قدرتمندتر

تیترو

محاکمه نافر جام

محمد مرسی، رئیس‌جمهوری سابق مصر درگذشت

صفحه ۱۵

تیترها

تهران در حال تبدیل شدن به ریودوژانیرواست

حراج‌های دقیقه ۹۰

صفحه ۵

«شرق» به صورت کامل بررسی می‌کند

چرا کف دست زنان تماشاگر مهر زدند؟

صفحه ۱۴

عطریانفر:

تویت کرباسچی در دفاع از نجفی بود

صفحه ۳

کارت قرمز محیط‌زیستی‌ها به دولت روحانی

صفحه ۱۳

عرض حال

«نه» به اجماع‌سازی علیه ایران

غلامرضا نظر بلند • تحلیلگر



روزی به منظور دیدار آشنایی، سفیر ژاپن در کشور متوقف‌فیه را ملاقات کردم. پس از تعارفات معمول و ورود به بحث‌های محتوایی، فرصت را مغتنم دیدم تا از باب استفهام از او بپرسم که چرا کشور متبوعش تا سرحد سخاوتمندی به سریلانکا کمک می‌کند. پاسخ ایشان با این عبارت که «این سریلانکا‌ها بودند که از تجزیه ژاپن جلوگیری کردند»، شگفت‌زده‌ام کرد. نگارنده که ناآشنا به روابط آن دو کشور نبود؛ تا آن موقع فکر می‌کرد که اشتراک آیینی (بودیسم)، مهم‌ترین عامل پیوند فی‌مابین و کمک‌های سخاوتمندانه توکیو به هم‌کیشان سریلانکایی خود است؛ به‌ویژه آنکه مقدس‌ترین عبادتگاه بودا (دندنان بودا) هم در شهر کندی سریلانکا واقع است. توضیحات بعدی همتای ژاپنی علاوه بر پاسخ‌گویی، درس‌آموز هم بود. به گفته او، آمریکا در سال ۱۹۵۳ جمعی از کشورهای آسیب‌دیده از ناحیه ژاپنی‌ها در جریان جنگ جهانی دوم را گرد هم می‌آورد تا با مشورت دسته‌جمعی تدبیری بیندیشند که ژاپن را به پرداخت غرامت‌های سنگین به آنها مجبور بکند؛ به‌گونه‌ای‌که با تضعیف کامل این کشور، زمینه تجزیه آن فراهم بشود. سناریوی آمریکایی‌ها به‌خوبی پیش می‌رفت تا اینکه نوبت به سخنرانی نماینده سریلانکا می‌رسد؛ اما او با این سخن قهار که «ما خون را با خون نمی‌شویم»، ساز ناساز می‌زند و با این کنشگری تک‌روانه، موجب اخلاخ در اجماع‌سازی مدنظر برگزارکننده آمریکایی نشست و در نتیجه شکست آن می‌شود. با مرور مسیر تحولات و موضع‌گیری‌های مختلف درباره حمله هفته گذشته به دو فروند کشتی نفتی ژاپنی و نیروی در دریای عمان، خاطره دیدار با دیپلمات ژاپنی پیش‌ازپیش به ذهنم خطور می‌کند و به ژرفای آن بیشتر پی می‌برم. بعد از انتشار «خبر فوری» حمله به نفت‌کش‌ها هم‌زمان با دیدار نخست‌وزیر ژاپن از تهران و بازتاب گسترده آن در رسانه‌ها و تهییج و تحریک و جهت‌دهی کم‌وبیش سازمان‌یافته افکار عمومی، نوبت به موضع‌گیری‌های رسمی و غیررسمی رسید. دراین‌میان، آمریکایی‌ها تلاش کردند تا تنور گرم است، نان خود را پچسبانند. نان آنها در اجماع‌سازی جهانی علیه ایران با متهم‌کردن شتاب‌زده این کشور به دست‌داشتن در آن حملات بود.

ادامه در صفحه ۴

شرق

تحويل روزنامه درب منزل

یا محل کار شما بدون هزینه ارسال

۸۸۲۰۹۵۹۳

۸۸۱۹۸۹۶۴

ارتباط با روزنامه شرق

SHARGHLINE

@SHARGHDAILY.IR

پيام کوتاه

۳۰۰۰۴۶۹۹

الوشرق

۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir